

تحلیل کتاب «فرهنگ و هنر» سال هفتم

حمیدرضا کاشانی

دبیر هنر دوره اول دبیرستان مدارس شهرستان بافت

چکیده

در جامعه کنونی و با توجه به چالش‌های موجود میان شیوه‌های نوین و کهنه آموزش هنر، نقش وزارت آموزش و پرورش به عنوان بزرگ‌ترین نهاد آموزش عمومی کشور، نقشی تأثیرگذار و همه‌جانبه در میان تمامی اقشار جامعه است. حال اگر این رسالت در عصر حاضر سیال باشد و طبق نیازها و آمال نسل معاصر، آگاهانه تغییر جهت دهد و به‌روز شود، می‌تواند راه‌گشای فرزندان امروز و مسئولان فردا شود. در این مطالعه سعی شده است بدون اغماض از محاسن و معایب کتاب‌های دو دوره آموزشی قدیم و جدید، با دیدی واقع‌گرایانه مطالب آن‌ها مورد تحلیل قرار گیرند و نتایج حاصل در چهار محور تولید هنری، تاریخ هنر، نقد هنری و زیبایی‌شناسی ارزیابی شوند. به غیر از اشکالات جزئی مثل ناخوانا بودن شماره صفحات، صفحه‌آرایی بعضی صفحه‌ها، استفاده از جملات و تمرین‌های موازی و تکراری در پایان درس‌ها و همچنین، عدم دسترسی بسیاری از معلمان هنر به کتاب «راهنمای معلم»، که احتمالاً می‌توانست راه‌گشای بعضی نکات مبهم درس‌ها باشد، در نتیجه این مقایسه معلوم شد که کتاب جدید نسبت به کتاب قدیم در دامنه وسیع‌تر و کامل‌تری تدوین شده و جای خالی هنرهای مغفول (نمایش، صنایع دستی، عکاسی، هنرهای آوایی، سفالگری و...) با روشی خاص پر شده است. البته این کتاب ضعف‌هایی هم دارد که امیدواریم با خرد جمعی به حداقل ممکن برسد.

کلیدواژه‌ها: کتاب فرهنگ و هنر سال هفتم، توصیف و تحلیل، نقاط ضعف

مقدمه

طول این سال‌ها به هیچ‌کدام از این نقدها توجه نشده و فقط قسمتی از این کتاب‌ها حذف شد. هر سال اول مهر دوباره همان کتاب و همان جلد و... را برای دانش‌آموزان دهه‌های هفتاد، هشتاد و تا حدودی نود تکرار کردم و احتمالاً خیلی هم وفادار بودم که این‌گونه عمل کردم. چون می‌دانم در خیلی از نقاط کشور، عده زیادی از همکارانم بودند که عطای کتاب را به لقایش بخشیده بودند و به‌صورت حسی و تجربی تدریس می‌کردند که البته این هم شاید خیلی مورد تأیید نباشد. به هر حال این دوران هم با فراز و فرودش طی شد و در دهه سوم دوران خدمتم، کتاب سال هفتم تحت عنوان «فرهنگ و هنر» منتشر شد.

چیزی حدود بیست و چهار پنج سال از انتشار کتاب‌های هنر دوره راهنمایی می‌گذشت؛ یعنی حدود ربع قرن. من طی دوران خدمت بیست و سه چهار ساله‌ام، با این کتاب عجیب بوده‌ام و از محتویات آن گاه لذت برده و همواره کاستی‌ها و بلندپروازی‌هایش را نادیده گرفته‌ام. انتشار این کتاب‌ها در آن دوران، یعنی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۶۶، با توجه به جو آن دوره، قدم بسیار بزرگی بود اما در جا زدن و کاستی‌های آن، به‌ویژه کتاب‌های سال‌های دوم و سوم، سؤالات زیادی را در ذهنم ایجاد کرده بود. قصد نقد کردن کتاب‌های قبل را ندارم که بارها نقد شده‌اند. در



من مشتاقانه در تابستان ۱۳۹۲ فایل آن را دانلود و همان شب اول آن را یک دور مطالعه کردم و چیزهایی دستگیرم شد. اکنون بعد از گذشت حدود یک سال تحصیلی و تدریس دقیق یک دوره از کتاب جدید، با خوش حالی از اینکه برنامه‌های درسی مغفول را در این کتاب پیدا کرده‌ام، نگرش جدیدی در آن دیدم، با رویکرد آموزشی متفاوتی مواجه شدم، محتوای آن را هنری یافتیم و...

پیشینه تحقیق

«برنامه درسی مغفول» مفهومی که «آیزنر»^۱ آن را سلبی می‌داند، به این معنی است که محتوایی مهم از نظام رسمی آموزش حذف شده است. به زعم وی، آنچه که در مدارس انجام نمی‌دهند، به اندازه آنچه که انجام می‌دهند، مهم است.

سیلی براون درباره متون و برنامه‌های درسی می‌گوید: «آیا ما ذاتاً هنر را ارزشمند می‌دانیم، یا اینکه هنر می‌تواند نقش واسطه‌ای ایفا کند و در یادگیری سایر درس‌ها مؤثر واقع شود؟»

پایچ در یک مطالعه طولی با محققان دانشگاه کالیفرنیا به این نتیجه می‌رسد که «هم‌بستگی مثبتی میان مطالعه درس‌های هنری و پیشرفت تحصیلی وجود دارد. دانش‌آموزانی که به یکی از رشته‌های هنری گرایش دارند، عملکرد بهتری در آزمون‌های استاندارد شده پیشرفت تحصیلی به نمایش می‌گذارند، عملکرد ملموس‌تر و مؤثرتری در خدمات اجتماعی دارند، و ترک تحصیل آن‌ها کمتر از سایر دانش‌آموزان است.

هدف تحقیق

در دیباچه کتاب اشاره‌ای ادیبانه به میراث فرهنگی و هنری شده است: «هر علمی باید در بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها مؤثر بوده و به آن پاسخ دهد، و از طرفی ارزش و اهمیت هنر در بقاست، زیرا به فرهنگ و انسانیت کمک می‌کند. همان‌طور که خرد و عقل وجه تمایز انسان و حیوان است، هنر و زیبایی‌شناسی نیز همین

اهمیت را دارا خواهد بود.» (جنسن)

بنابراین، اساس قرابت فرهنگ و هنر از دیرباز تاکنون مطرح بوده است و این موضوع باید مورد توجه اهالی فرهنگ و هنر قرار داشته باشد. اولین جرقه‌ای که در ذهن مخاطب کتاب زده می‌شود، استفاده از دو واژه «فرهنگ» و «هنر» در کنار یکدیگر است و مهم‌تر از آن پوشش صحیح و رمزگشایی بین این دو کلمه وزین. هنرآموز می‌باید با اطلاعات کافی و طرح درس مناسبی به سمت کلاس برود تا بتواند عطش فرهنگی و هنری هنرجویان را سیراب کند که کاربرد این اصل در متن درس مطرح نشده است.

کتاب حاضر در پنج بخش کلی هنرهای تجسمی، خوش‌نویسی، هنرهای سنتی، هنرهای آوایی، و هنرهای نمایشی منتشر شده است. در نگاه اول جامعیت موضوعی کتاب چشم‌گیر به نظر می‌رسد و این پرسش‌ها را به ذهن مخاطب متبادر می‌کند که «آیا این حجم اطلاعات باتوجه به دورویکرد تئوری و عملی، باید ارائه شود؟ تدریس آن چه زمانی را در هفته می‌طلبد؟ آیا زمان تخصیص داده شده به کلاس فرهنگ و هنر جواب‌گوی این اطلاعات خواهد بود؟

هر علمی باید در بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها مؤثر بوده و به آن پاسخ دهد، و از طرفی ارزش و اهمیت هنر در بقاست، زیرا به فرهنگ و انسانیت کمک می‌کند



در بخش نقاشی، علی‌رغم شروع قوام‌دار، ایجاد انگیزه و ارائه اطلاعات مربوط، صرفاً «از عکس و چند تصویر ریز نقاشی ایرانی (نگارگری) برای آشنایی دانش‌آموزان استفاده شده و هیچ نوع نقاشی دیگری با تکنیک‌های گوناگون و شیوه اجرای آن‌ها مطرح نشده است

با استفاده از روش توصیفی تحلیل شدند.

یافته‌های تحقیق بخش طراحی و نقاشی

در این بخش، آغازی بسیار خوب و منطقی را شاهدیم که تلنگرهای خاصی به ذهن دانش‌آموز این پایه می‌زند. استفاده نکردن از تصویر برای تولید هنری نکته قابل تأملی است اما استفاده از عکس‌هایی در ابعاد کوچک (احتمالاً عمدی) مابه‌ازای طراحی با هیچ‌گونه تکنیکی را ندارد و چشم هنرآموز با زیبایی‌های بصری (زیبایی‌شناسی) این تکنیک‌ها آشنا نمی‌شود. در حالی که شاید نشان دادن این مهم، تأثیر مثبتی بر ذوق بصری آن‌ها داشته باشد.

در بخش نقاشی، علی‌رغم شروع قوام‌دار، ایجاد انگیزه و ارائه اطلاعات مربوط، صرفاً «از عکس و چند تصویر ریز نقاشی ایرانی (نگارگری) برای آشنایی دانش‌آموزان استفاده شده و هیچ نوع نقاشی دیگری با تکنیک‌های گوناگون و شیوه اجرای آن‌ها مطرح نشده است. برخی بر این باورند که استفاده از نقاشی به‌عنوان مدل باعث رکود حس خلاقیت در دانش‌آموزان می‌شود و وی به کپی‌برداری‌های ناشیانه خواهد پرداخت (رویکرد سنتی) اما این نکته را نیز نباید فراموش کرد که «نقش پای رفتگان هموار سازد راه را...» شاید این اقدام عمدی است و به‌منظور تقویت ذهن و تخیل دانش‌آموز صورت گرفته یا به زعم مؤلف، به مربی واگذار شده است، اما تأثیر عناصر بصری را در آموزش، به‌ویژه آموزش هنر، نباید نادیده گرفت. با در نظر گرفتن این نکته که در خوش‌بینانه‌ترین وضعیت شاید ۵۰ درصد از دبیران غیرتخصصی هستند، این مشکل دو چندان خواهد شد.

زمینه‌سازی برای به‌کارگیری نقد هنری در تمرین‌ها، دال بر آگاهی مؤلف نسبت به لزوم نقد هنری است که تا به حال جزو حلقه‌های مفقوده در این کتاب‌ها بوده است. مدرس می‌تواند راه‌گشای شیوه صحیح نقد باشد و معبری فراروی هنرجویان باز کند. همچنین، مثال‌های تصویری درس چهارم نیز می‌توانست در بخش هنرهای سنتی و یا در بخش جداگانه‌ای، مثل آثار و بناهای تاریخی و معماری، جایگاه مثبت‌تری بیابد.

در دو بخش فوق، جای هنرها و سبک‌های روز دنیا که کم هم نیستند، جای خالی است و مسلماً

حال باید دید که با توجه به رویکردهای دوگانه آموزش هنر (رویکرد سنتی و رویکرد دیسیپلین‌محور)، محتویات این کتاب در کدام محدوده قرار می‌گیرد.

۱. رویکرد سنتی: این رویکرد تا قبل از قرن بیستم، یعنی تا سال ۱۹۰۰ مطرح بوده است. در این رویکرد هنر ابزار خلاقانه‌ای تلقی می‌شود که ظرفیت‌های خلاق و آفرینش‌گرایانه دانش‌آموز را آزاد می‌سازد. براساس رویکرد سنتی، برنامه‌های از قبل تعیین شده مانع بروز خلاقیت در دانش‌آموزان می‌شود.

۲. رویکرد دیسیپلین‌محور: این رویکرد تقریباً نقطه مقابل روش سنتی است و بنیادهای فکری آن در سال ۱۹۸۲ توسط **بالکان** و در سال ۱۹۸۴ توسط **گریور** مطرح شد. رویکرد دیسیپلین‌محور انقلاب آرامی را در آموزش هنر رواج داد. در این روش بر چهار موضوع تأکید اساسی شده است: تاریخ هنر؛ تولید هنری؛ نقد هنری؛ زیبایی‌شناسی. اگرچه اهداف، محتوا، برنامه درسی، تلقی از یادگیری، خلاقیت و ارزشیابی در هر دو روش حائز اهمیت هستند، چهار عنوان مذکور در روش آموزش آکادمیک رنگ بیشتری به خود می‌گیرند. کتاب جدید بیشتر متمایل به رویکرد دیسیپلین‌محور است.

حال به ارزیابی مطالب فوق هر چند جسته و گریخته می‌پردازیم تا به نمایی کلی از آنچه در پنج بخش کتاب فرهنگ و هنر آمده است، برسیم.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق: روش تحقیق، تحلیل محتوای کتاب براساس «رویکرد کمی» بوده است. **جامعه و روش نمونه‌گیری:** در این مطالعه، کتاب درسی فرهنگ و هنر سال هفتم دوره اول دبیرستان، در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ در دبیرستان دوره اول متوسطه روی دانش‌آموزان «مدرسه تیزهوشان علامه حلی» شهرستان بافت مورد بررسی قرار گرفت:

ابزار جمع‌آوری اطلاعات: در این بررسی، واحد ثبت براساس مطالب ارائه شده در کتاب جدید فرهنگ و هنر سال هفتم دوره جدید و حول چهار محور «تولید هنری، نقد هنری، زیبایی‌شناسی و تاریخ هنر شناسایی و کدگذاری شده است.

روش تحلیل داده‌ها: داده‌های جمع‌آوری شده مربوط به متغیرهای مورد بررسی در کتاب،

سطرنویسی با ترکیبات به نسبت دشوار آن هم در فرصت اندک کلاس بپردازند. مؤلفان محترم این بخش به خط تحریری نیز عنایتی داشته‌اند اما در مقایسه با کتاب سابق هنر، می‌توان گفت که در آموزش گام به گام این هنر اصیل و ارزنده شاید سهل‌انگاری درون موضوعی صورت گرفته و انتظارات فراتر از توان دانش‌آموزان پایه هفتم است.

ناگفته نماند که در کتاب سابق هنر، مراتب پلکانی آموزش در نظر گرفته شده بود، اما آنجا نیز سیر تحول و پیشرفت به ناگاه سیر صعودی پیدا می‌کرد، به طوری که عنان اختیار از دست معلم و دانش‌آموزان می‌گریخت. واقعیت این است که در فرصت محدود این درس (هنر) و در این شیوه آموزش، دانش‌آموزان را نمی‌توان به هنرمند تبدیل کرد، بلکه از یک کلاس ۳۰ تا ۴۰ نفره، شاید فقط بتوان تعداد انگشت‌شماری را راغب و راهنمایی کرد. اگر معلم بتواند باتوجه به تمام مشکلات فوق فقط دید هنری (تولید کم و نقد هنری) به دانش‌آموزان عطا کند، باید کلاهش را هم به هوا پرتاب کند. در این بخش، به جای استفاده از جملات، اتصالات و ترکیبات به نسبت دشوار، به جملات آسان‌تر و نهایتاً اتصالات دو حرفی پرداخته شده تا در حد توانایی هنرجو باشد و جملات سخت‌تر را به سال‌های هشتم و نهم ارجاع داده است.

در این بخش به نمونه‌های خطوط فرعی غیررایج یا کمتر رایج هم اشاره خوبی شده است اما به خط دوم اصیل ایرانی (شکسته نستعلیق) کوچک‌ترین اشاره‌ای نشده و حتی تصویری هم نیامده است. جا دارد برای آشنایی دانش‌آموزان با این هنر اصیل، به این نکته هم توجه شود. پیشنهاد می‌شود که با توجه به ذهن کنجکاو دانش‌آموزان، حداقل برای فهم بیشتر آن‌ها، یک جمله یا سطر را با چهار خط رایج ملی و اسلامی در یک صفحه یا دو صفحه مجاور بنویسند تا در یک مقایسه چشمی، دانش‌آموز بتواند تفاوت و زیبایی‌های این خطوط را بهتر درک کند. استفاده به جا از خط تحریری قابل تقدیر است اما می‌توان جملات طولانی‌تری را نیز در این مبحث با استناد به سرمشق اصلی به کار گرفت.

همان‌طور که اشاره شد، به دور از انصاف است که عنوان نشود در این بخش به تاریخ هنر، تولید هنری، نقد هنری و زیبایی‌شناسی هنر توجه

در صورت حضور، تأثیر مثبتی بر ذهن، تخیل و اطلاعات هنرآموز خواهد گذاشت.

بخش عکاسی

این بخش و ضرورت وجود آن در کتاب نکته حائز اهمیتی است. اگرچه شاید وجود این بخش در کتاب به دلیل حضور عکس و عکاسی در دنیای معاصر و امکان عکس‌برداری و فیلم‌برداری در اکثر لحظات زندگی با دوربین، تلفن همراه، تبلت و... باشد، اما همین که در سه درس به آشنایی با دوربین خودکار، نقطه تأکید و نور اشاره‌ای شده است. جای تأمل دارد. آیا گروه مؤلف نمی‌توانست هنر دیگری را جایگزین عکاسی کند؟ اصولاً ضرورت پرداختن به عکاسی آن هم با این شکل کلی، بدون در نظر گرفتن امکانات شهرستان‌ها و بضاعت خانواده‌ها، به خصوص روستاییان عزیز که هم از نظر نبود دبیر تخصصی در مضیقه‌اند و هم از حیث امکانات این چنینی، مورد تردید قرار می‌گیرد و شکل‌گیری محدود تمرینات این بخش کمی دور از واقعیت به نظر می‌رسد.

بخش خوش‌نویسی

آشنایی با ابزار و اصطلاحات، آشنایی با انواع خوش‌نویسی و برخی هنرمندان معاصر و کهن (تاریخ هنر)، استفاده از نمونه‌های عینی، زیبا و جامع (زیبایی‌شناسی)، توجه به تمرین و تکرار انواع مشق (تولید هنری)، مقایسه آثار خود با آثار دیگران و گفت‌وگو درباره آن (نقد هنری)، و دادن دیدگاه زیباشناسانه با توجه به مثال‌ها و تصویرها، از محاسن این بخش است. در این بخش تعریفی از «دانگ» ارائه شده است، اما عنوان دانگ به غیر از آن کاربردهای دیگر نیز دارد که به آن‌ها اشاره نشده است (قلم دو دانگ و...).

اما بخش خوش‌نویسی شاید یکی از بحث‌برانگیزترین بخش‌های ارائه شده در کتاب فرهنگ و هنر باشد. زیرا با توجه به سابقه نه‌چندان مطلوب آموزش خوش‌نویسی در دوره ابتدایی و عدم آگاهی عمومی معلمان محترم این دوره، قطعاً نمی‌توان انتظار داشت که دانش‌آموزان ابتدا به ساکن، از یک سرمشق (مفردات، ص ۵۱) در درس اول، به اتصالات دو حرفی و حتی سه حرفی و چهار حرفی برسند و در درس‌های جلوتر (درس پنجم، صفحه‌های ۶۹-۶۷) به



ضرورت پرداختن به عکاسی آن هم با این شکل کلی، بدون در نظر گرفتن امکانات شهرستان‌ها و بضاعت خانواده‌ها، به خصوص روستاییان عزیز که هم از نظر نبود دبیر تخصصی در مضیقه‌اند و هم از حیث امکانات این چنینی، مورد تردید قرار می‌گیرد و شکل‌گیری محدود تمرینات این بخش کمی دور از واقعیت به نظر می‌رسد



آگاهانه‌ای شده است.

بخش هنرهای سنتی

حضور این بخش در کتاب فرهنگ و هنر ستودنی است. صنایع دستی این مرز و بوم جزو هنرهای مغفول بود. لازم است در این بخش به سه نکته با استناد به دیدگاه‌های مهم آموزشی (هری برودی) توجه کرد:

۱. ادراک کیفیت‌های حسی اثر هنری؛
۲. ادراک فرم یا صورت در اثر هنری (فرم و محتوا = معنا و منظور اثر)؛
۳. ادراک اهمیت اثر هنری (دشوارترین مرحله). در درس اول، شاید با تکیه بر اطلاعات معلم، اشاره‌ای به مراحل طراحی و تبدیل و خلاصه کردن یک شکل نشده است. با توجه به اهمیت نقوش اسلیمی و ختایی، انتظار می‌رفت تصویرهایی از این نقش‌های شاخص و اصیل ارائه شود.

در درس دوم موضوع تصویری تر شده و مابه‌ازای عینی و ملموس‌تری دارد، اما تاریخ هنر در این درس عقیم مانده است. (شاید به معلم سپرده شده است!) ارائه تصویر قالبی مشهور «پازیریک» یا نمونه‌های معماری باستانی ایرانی، که جزو مفاخر فرهنگی هستند، و کار عملی بافت یک گلیم کوچک را می‌توان از نکات مثبت این درس برشمرد.

سفالگری

توضیحات این بخش و مثال‌های تاریخ هنر آن در حد عالی است اما تولید در این موضوع مستلزم صرف زمان زیاد و وجود ابزار است. با توجه به ظرفیت‌های این بخش بیشتر به تاریخ هنر و در وهله دوم به تولید هنری پرداخته شده است. فضای نقد هنری که در این بخش بسیار می‌توانست راه‌گشا باشد، کمرنگ شده و به آن پرداخته نشده است.

بخش هنرهای آوایی

دست به عصا رفتن و سخن در لفافه گفتن از ویژگی‌های این قسمت است که با عنوان «هنرهای آوایی» از آن یاد شده است. شاید حداقل تا سال‌های اخیر این حوزه در زمره موضوع‌های ممنوعه و ورود به آن نیازمند جسارت خاص بود. این دست به عصا بودن لازمه بعضی ملاحظات دینی و خط قرمزهای موجود بوده، اما این بخش با تمام نکات گفته

و ناگفته، جزو قسمت‌های مغفولی بوده است که معلمان هنر، به‌ویژه، درگیر آن بوده‌اند. آن‌ها به سؤالات عدیده دانش‌آموزان در حد بضاعت پاسخ می‌گفتند، اما حضور این بخش باعث شد که درجه اعتماد به نفس معلمان نیز بالاتر برود و بتوانند بخشی از سؤالات ذهنی دانش‌آموزان را بهتر پاسخ گویند. در این بحث لازم بود که با توجه به ظرفیت‌های موجود در موسیقی، روی بخش شنیداری و تصویری بیشتر کار انجام شود، اما می‌دانیم که به سبب مشکلات موجود، شاید این بهترین روش در قدم اول باشد و در گام‌های بعدی بتوان این واقعیت پنهان را بیشتر در ذهن دانش‌آموز متبلور ساخت.

این بخش در پنج درس با عنوان‌های وزن، لحن، رنگ صوتی، شکل و بافت ارائه شده است که با توجه به محدودیت‌ها، بسیار هوشمندانه و موازی با سن دانش‌آموز انتخاب شده‌اند و البته قابل تحسین است اما معلم در این بخش رسالت سنگین‌تری دارد. وی باید سطح اطلاعات خود را بسیار فراتر از کتاب آماده کند تا بتواند عطش کنجکاوی لذت‌بخش فراگیرندگان را فرو بنشانند. سخن راندن از پنج موضوع فوق مستلزم ابتکار و اطلاعات است.

وزن: متوسل شدن به تصویرهای عالی و مرتبط و ارائه تمرینی تصویری درک بهتر این مفهوم کمک بسیار کرده است و مفهوم تصویری زیبا و رسایی را در ذهن بازآفرینی می‌کند.

لحن و ملودی: شنیدن و دقت به صداهای اطراف، اگرچه در بسیاری از لحظات زندگی حذف می‌شود، اما در بعضی لحظات نیز، هم ناگزیر است و هم لذت‌بخش (البته تصویر صفحه ۱۰۱ این درس بسیار ضعیف و دور از انتظار است و امیدواریم تصویر مناسب‌تری جایگزین آن شود). تنظیم این مطلب زیر دو بخش صداهای موسیقایی و صداهای غیرموسیقایی نیز، هم‌قوه تخیل و هم گوش موسیقی و دقت دانش‌آموزان را درگیر می‌کند که قدمی مناسب است. همچنین، ادغام لحن با ریتم نیز حائز اهمیت است و در اینجا مجدداً نقش معلم آگاه تأثیر خواهد داشت. اشاره به آذان مرحوم مؤذن زاده اردبیلی، هم اشارتی به تاریخ هنر دارد، هم زیبایی‌شناسی است و هم سبب آشنایی هنرجویان با نوعی آوای موسیقایی مذهبی می‌شود. به‌علاوه، حیطة موسیقایی اثر نیز ملموس‌تر می‌شود.

در صفحه ۱۰۴، کمک‌گیری از نمودار و

نمایش نیز جزو بخش‌هایی از هنر است که علاوه بر گستردگی در به‌کارگیری هنرهای گوناگون، خلأ کار گروهی را در کلاس مرتفع می‌سازد و تقسیم کار و مدیریت چندبعدی را به دانش‌آموز می‌آموزد

معلم در این بخش نقشی کلیدی خواهد بود تا با یاری مثال‌های (شنیداری و دیداری) مناسب، بتواند حق مطلب را بهتر ادا کند.

در مجموع در بخش موسیقی، به غیر از دست به عصا رفتن و کمک معلم به فراگیرنده که لازمه آن است، تقریباً به تمامی ابعاد دیسپلین محوری آموزش هنر، یعنی تولید هنر، تاریخ هنر، نقد هنری و زیبایی‌شناسی آن، آگاهانه اشاره شده است. امیدواریم در کتاب‌های سال‌های دوم و سوم این دوره گام‌هایی مؤثرتر برداشته شوند.

خوب بود که به ردیف‌های سنتی، شامل دستگاه‌ها، نغمه‌ها، گوشه‌ها و... و به تئوری کلاسیک موسیقی، حداقل در سطح گام، نت‌ها، شکل‌نت‌ها، خط میزبان، ریتم ساده خطوط حامل و کلیدهای موسیقی نیز اشاره‌ای می‌شد تا این موضوع مهم، که از مفاخر فرهنگی و هنری کشورمان است، برای دانش‌آموزان روشن می‌شد.

بخش هنرهای نمایشی

این بخش دربرگیرنده چهار درس است: گفت‌وگو، گفت‌وگوی نمایشی، شخصیت و موقعیت در نمایش. درس اول این بخش کوتاه اما کاربردی و زمان‌بر است. علاوه بر این، دیدگاه خوبی ارائه می‌دهد و سؤالات مطرح شده در صورت عمل آگاهانه معلم فراگیر خواهد شد. نمایش نیز جزو بخش‌هایی از هنر است که علاوه بر گستردگی در به‌کارگیری هنرهای گوناگون، خلأ کار گروهی را در کلاس مرتفع می‌سازد و تقسیم کار و مدیریت چندبعدی را به دانش‌آموز می‌آموزد.

در درس دوم موضوع گفت‌وگو ادامه پیدا می‌کند و دیدگاه‌های جدیدتری ارائه می‌شوند و مثال‌ها تأثیر خود را می‌گذارند. در این درس به گونه‌ای تنه‌ای به ادبیات، که جزو ارکان نمایش است، زده می‌شود و موضوع با مثال‌های ساده‌ای که ذهن دانش‌آموز را درگیر می‌کنند، ادامه می‌یابد. اما در «تجربه‌های بیشتر»، به بحث زمان اهمیت داده نشده است و فرصت محدود ساعات کلاس جوابگوی این حجم از کار کارگاهی نخواهد بود. درس‌های شخصیت (کارکتر) و موقعیت در نمایش، کشف درون شخصیت واقعی و جایگزینی آن با شخصیت‌های نمایشی و اشارات زیبا در بند «فکر کنید»، دانش‌آموزان را به فکری لذت‌بخش فرو می‌برد که در این سن عموماً درگیر آن‌اند. در این درس‌ها اشاره‌ای خوب، هرچند کوتاه،

علائمی مانند کمانک، فلش و شکل و جهت کمانک‌ها، به رسایی مفاهیم و بیان مطلب کمک نمی‌کند و خام به نظر می‌رسد. بیان رساتر این مفهوم، به بازنگری هنرمندانه نیازمند است. همچنین، تمرین این صفحه کمی تقییل به نظر می‌آید و تشخیص سکوت‌های چنگ و دولا چنگ و حتی سیاه، کمی دور از انتظار و بالاتر از سطح دانش‌آموزان است. خوب است معلم به نمونه‌هایی با سکوت‌های بلندتر، مانند «سکوت سفید»، «سکوت گرد» و... مبادرت ورزد تا واژه قابل فهم‌تر شود. (معرفی ریتم‌های ساده می‌تواند کمک مثبتی در روند آموزش این بخش باشد).

رنگ صوتی: استفاده از تصویری «ابر و باد مانند» و مرتبط کردن آن به موسیقی، درک صحیحی در ذهن فراگیرنده ایجاد می‌کند. این تصویر با سؤالات مطرح شده، ذهن دانش‌آموز را به مسیر درستی هدایت می‌کند و با ورود رنگ صدا و مثال‌های آن، درک او ژرف‌تر می‌شود. استفاده از مثال تصویری و کلامی (شیپور) و تمثیل مثال صوتی آن به «تیز و برنده بودن» و ایجاد هیجان با توجه به استفاده از این ساز بادی در تعزیه و مراسم مذهبی، ذهن را کاملاً روشن می‌کند. البته تمرین‌های این بخش کمی ناقص به نظر می‌آیند و لازم است تمرینات عملی و کاربردی تری ارائه شوند.

شکل (فرم): مجزا کردن شکل و فرم از لحن (ملودی) کاری دشوار به نظر می‌رسد (حداقل در تفهیم به فراگیرنده). در این درس علی‌رغم نکات مثبت، مثل مثال‌ها، استفاده از حافظه، ملودی، متن شعر، اشاره مستقیم به ملودی مرحوم حاج قربان سلیمانی و نیز ارائه تصویر ایشان با ساز (اگرچه در ابعاد کوچک)، از نکات ارزنده به نظر می‌رسد، اما در مقام جداسازی این دو مقوله از یکدیگر، مؤلفان باید بکوشند با توجه به سن فراگیرنده و همچنین اطلاعات مربی، راه‌های عملی‌تر و ملموس‌تری ارائه کنند تا مسیر مشخص‌تر و روشن‌تر شود.

بافت: یکی از درس‌های مشخص و شفاف این بخش، «درس بافت» است که با مثال‌های به‌جا شروع می‌شود و در بخش «تجربه کنید»، این مثال‌ها عملی شده‌اند و در ذهن مخاطب می‌نشینند. در اینجا هم اشاره به «تواشیح» تحت عنوان نوعی از موسیقی نیز به آگاه‌سازی دانش‌آموز نسبت به کاربرد موسیقی در امور مذهبی بیشتر کمک و نکته را بازرتر می‌کند. نقش



به ساختار ارسطویی نمایش شده و پیرامون کشمکش در نمایش (اکسیون) مثال‌هایی زده شده است اما به نظر می‌رسد این بخش عقیم می‌ماند (اگرچه به زعم مؤلف شاید توضیحات بیشتر را می‌باید هنرآموز به هنر جو ارائه دهد که اجتناب‌ناپذیر است). به هر صورت بهتر است متن کتاب ابتر نماند و به این منظور می‌توان از خلق لحظه‌های ناب‌تر و مثال‌هایی کوتاه از نویسندگان مطرح ایرانی و خارجی بهره گرفت. ناگفته نماند که احتمالاً در تألیف کتاب «فرهنگ و هنر» پایه‌های هشتم و نهم این نکات مورد توجه قرار خواهند گرفت و به ساختارهای نمایشی دیگر، مانند نظریات **برتولت برشت**، یا تئاترهای «ابزورد» یا «نئوکلاسیسم» و... همچنین ساختارهای سنتی و وطنی از قبیل تعزیه، رو حوضی، نقالی، پرده خوانی، عروسک‌گردانی و... که می‌توان گفت در این کتاب جزو هنرهای مغفول‌اند- نیز اشاره خواهد شد.

بحث و نتیجه‌گیری

در کتاب جدید بیشترین توجه مؤلفان به ترتیب به تاریخ هنر (۳۴ درصد فراوانی)، تولید هنری (با ۲۹ درصد فراوانی) نقد هنری (با ۱۹ درصد فراوانی) و زیبایی‌شناسی هنر (با ۱۷ درصد فراوانی) بوده است. در مجموع رویکرد کتاب جدید فرهنگ و هنر امیدوارکننده است؛ به شرط اینکه از کاستی‌ها و بلندپروازی‌ها اجتناب شود و به این واقعیت نیز رسید که زمان محدود و حجم بالای مطالب، «اختیاری و اجباری» کردن بعضی بخش‌ها و توجه اندک به تاریخ هنر جهان، از قسمت‌های کماکان مغفول مانده کتاب فرهنگ و هنر است.

در این آزمون و خطا (به‌زعم این جانب)، راهی بس گسترده و طولانی پیش روی مؤلفان خواهد بود که با توجه به انگیزه قوی ایشان، جای امیدواری است که در سال‌های آینده به دور از هرگونه تعصب و... مطالب مطرح شده را وحی منزل ندانند و درصدد رفع ایرادات و اشکالات هرچند جزئی برآیند تا خروجی و نتیجه جامع‌تر و عملی‌تر شود. اگرچه در این تحلیل به کلیات و تا حدودی به جزئیات اشاره شده است، اما هنوز می‌توان با نگاه نقادانه‌تری به کتاب نگریست و آن را به خرد جمعی (معلم‌ان هنری که قرار است سال‌ها با این کتاب زندگی کنند) سپرد تا معایب آن به حداقل ممکن برسد.

به غیر از موارد مذکور، مشکلات دیگری نیز فراروی معلم‌ان هنر قرار دارند؛ چالش‌هایی که در اثر عدم تفهیم ضرورت آموزش هنر، و پوچ و بیهوده انگاری و گاه تنگ‌نظری‌ها به وجود می‌آیند. برای مثال، در همین مدت کوتاه در آموزش بخش سفالگری، علاوه بر اینکه فضای موجود و امکانات حداقلی در مدارس وجود ندارد و دانش‌آموزان عموماً بسیار مشتاق به انجام دادن عملی فعالیت‌ها و تمرینات این بخش هستند، معلم‌ان هنر با اعتراضات بعضی مدیران که سفالگری را مخل نظافت و نظم مدرسه می‌دانند، مواجه شده‌اند.

در بخش هنرهای آوایی نیز، با توجه به محدودیت‌ها، مشکلاتی سر باز می‌کند و معلم راهی جز کوتاه آمدن و یا مبارزه نخواهد داشت که در هر دو صورت، موجبات نگرانی و یأس هم بین دانش‌آموزان و هم بین معلم‌ان ایجاد خواهد کرد.

باتوجه به اهمیت موارد فوق و استناد به اینکه کشور عزیز ما بیش از اینکه به جوانانی با ذهن‌های انباشته از تئوری‌های ناکارآمد نیاز داشته باشد، نیازمند جوانانی پرشور، خلاق و متفکر است، رسالت مسئولان و رسانه‌ها را دو چندان کرده است و ما را امیدوار می‌کند که با فراغ بال بیشتر به آموزش جوانان مستعد کشور بپردازیم.

* پی‌نوشت

1. Eisner

* منابع

۱. روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ساروخانی، باقر. (۱۳۸۶). تهران پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. روش‌ها و فنون تدریس هنر. جوزی، حسین. (۱۳۸۷). تهران: مدرسه.
۳. مجله رشد آموزش هنر، دوره پنجم شماره ۱۴ ص ۱۴-۱۸. شریف‌زاده، عبدالمجید. (۱۳۸۷).
۴. شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسایی، تهران نشر مرکز.
۵. نگاهی به تاریخ نمایش در ایران، محمدی، احمد و فروغ، مهدی. (۱۳۸۳). وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۶. طراحی الگوی مطلوب تربیت هنری، مهرمحمدی و امینی، (۱۳۸۰)
۷. برداشت و گزیده‌ای از مقدمه ابن خلدون. نصری‌نادر، آلبرت. (۱۳۶۳).
۸. همایش هم‌اندیشی هنر و عناصر طبیعت، تهران: فرهنگستان هنر.
۹. ماسن، کیکان، پاول هنری، آلتا کارول، هوستون، کانجر جان چینوی.

جدول فراوانی مباحث در کتاب «فرهنگ و هنر» سال هفتم دوره متوسطه اول «براساس رویکرد دیسیپلین محور»
(تاریخ هنر شامل تصویرها و بناهای تاریخی با توضیحات مختصر)

ردیف	عنوان بخش	درس	تولید هنری	تاریخ هنر	نقد هنری	زیبایی شناسی
۱	طراحی	اول	۴	۱۰	۲	۱
		دوم	۴	۱	۱	۲
		سوم	۶	۴	۱	۲
		چهارم	۵	۱۰	۱	۳
۲	نقلنی	اول	۵	۶	۱	۳
		دوم	۳	۱۱	۱	۲
		سوم	۴	-	۳	۱
		چهارم	۴	۱۴	۱	۱
۳	عکسی	اول	۲	-	۲	۲
		دوم	۲	-	۲	۲
		سوم	۳	-	۳	۳
		چهارم	۳	۱	۴	۱
۴	خوشنویسی	مقدمه و اول	-	۳	-	۲
		دوم	۱	۶	۱	۱
		سوم	۱	۳	-	۱
		چهارم	۲	۶	۲	۱
		پنجم	۶	۲	۱	۱
۵	طراحی سنتی	اول	۴	۸	۳	۲
		دوم	۵	۵	۲	۱
		سوم	۵	۷	۱	۲
۶	گلیم بافی	اول	-	۸	۳	۱
		دوم	۱	-	۲	۲
		سوم	۲	۳	۱	-
۷	سفال گری	اول	۳	۸	۱	۱
		دوم	۵	-	-	-
		سوم	۴	۱	۲	۲
۸	هنرهای آوایی	اول	۳	-	۳	۲
		دوم	۲	۱	۴	۱
		سوم	۳	-	۵	۳
		چهارم	-	۱	۱	۲
		پنجم	۱	-	۲	۲
۹	هنرهای نمایشی	اول	۲	-	۳	۱
		دوم	۴	۱	۱	۱
		سوم	۲	۱	۲	۱
		چهارم	۶	۱	۳	۲